

گنجینه سوال رایگان  
+ پاسخ تشریحی

یاوران دانش



راه های ارتباطی با ما:

[www.Dyavari.com](http://www.Dyavari.com)

۰۲۱-۷۶۷۰۳۸۵۸

۰۹۱۲-۳۴ ۹۴ ۱۳۴





۱- «إِذَا فَهَمَتِ الدَّلَافِينُ أَنْ وَقَعَ نَظَرُ سَمَكَةِ الْقِرْشِ عَلَيْهَا، تَضَرِّبُهَا بِأَنُوفِهَا الْحَادَّةِ وَ تَقْتُلُهَا!» عَيِّنِ الصَّحِيحَ لِلتَّرْجُمَةِ:

- (۱) هرگاه دلفین‌ها بفهمند که نگاه کوسه ماهی به آن‌ها افتاده است با بینی‌های تیزشان او را می‌زنند و می‌کشند!
- (۲) اگر دلفین‌ها فهمیدند که نگاه‌های کوسه ماهی به او افتاد با بینی تیزش او را می‌زند و او را می‌کشد!
- (۳) آنگاه که کوسه ماهی به دلفین بنگرد دلفین با بینی تیزش او را خواهد زد و خواهد کشت!
- (۴) هرگاه دلفین بفهمد که کوسه ماهی به او نگاه کرده است حتماً با بینی تیزش او را می‌کشد!

متن زیر را بخوانید و به ۷ سؤال بعدی پاسخ دهید.

«الزَّرافة إحدى أنواع اللَّبونات الإفريقية و أطول الحيوانات البرية. تعيش في الغابات التي تحتوي أشجاراً و شجيرات متناثرة و قد تتناول بلسانها الطويل غصناً من ارتفاع يقارب ستّة أمتار. إنَّ شُرْب الماء يشكّل خطر صيدها حيث لا يستطيع رؤية ما يدور حولها و النّوم تهيّد للزرافات أيضاً عندما تنام على ظهرها و (خلفها) بمدة ثلاثين دقيقة في يوم على قدميها و ذلك بسبب طولها و ثقل وزنها فتراقب إحدى الزرافات المخاطر المحتملة خلال نوم الزرافات الأخرى. ذكاء الزرافات يُعدّ عاملاً في سرعة سلوكها و تستخدم أذيالها كأساور الحظّ.»

۲- في نوم الزرافات ..... عَيِّنِ الخُطأ:

- (۱) الزرافة تقدر أن تنام على ظهرها و قدميها دون الشّعور بالخطر!
- (۲) حياة الزرافات الجماعية تُزيل الخطر عنهم أثناء النوم!
- (۳) يهدّد الزرافة طولها و ثقل وزنها عند النوم على ظهرها!
- (۴) عند الوقوف على الأقدام تنام الزرافة ثلاثين دقيقة في أربعة و عشرين ساعة!

۳- يزيد خطر الصيد للزرافات عند ..... عَيِّنِ الصحيح!:

- (۱) تحريك أذناها!
- (۲) أكل أغصان الأشجار!
- (۳) شرب الماء!
- (۴) محافظة بعضها على بعض!

۴- عَيِّنِ غير الصحيح!:

- (۱) الزرافة أطول اللَّبونات البرية تعيش في المناطق الجافة!
- (۲) الهروب من الصيادين صعب للزرافة النائمة على ظهرها!
- (۳) تُعتبر الزرافات من الحيوانات الذكية!
- (۴) يعتقد الناس أنّ ذنب الزرافة يجلبهم الحظّ!

۵- ما الذي يسبّب نوم الزرافة واقفة!:

- (۱) طول الزرافة و ثقل وزنها!
- (۲) الفرار من المفترسين!
- (۳) مراقبة الزرافات الأخرى خلال نومها!
- (۴) القدرة على أن ترى ما يدور حولها!





۶- عین الصحيح في التحليل الصّرفي و الإعراب:

«تحتوي»:

- (۱) فعل مضارع - مزيد ثلاثي من باب تفعّل - مفرد مؤنث غائب / فعل و الجملة الفعلية
- (۲) مزيد ثلاثي من باب افتعال - مفرد - مجهول - مؤنث / فعل و الجملة الفعلية
- (۳) مؤنث - لازم - معرب - فعل مضارع / فعل و فاعله أشجار
- (۴) مفرد مؤنث - معرب - متعدّد - معلوم / فعل و مفعوله أشجار

۷- عین الصحيح في التحليل الصّرفي و الإعراب:

«تُستخدم»:

- (۱) فعل مجهول - مفرد مؤنث - مزيد بزيادة ثلاثة أحرف / فعل و نائب فاعله أذیال
- (۲) مزيد بزيادة حرفین - فعل مضارع - مفرد مؤنث غائب / فعل مع نائب فاعله الجملة الفعلية
- (۳) فعل مضارع - مزيد ثلاثي من باب استفعال - معرب / فعل و فاعله أذیال و الجملة الفعلية
- (۴) معلوم - مزيد ثلاثي (فعله الماضي: استخدم) - معرب - مؤنث / فعل مع فاعله الجملة الفعلية

۸- عین الصحيح في التحليل الصّرفي و الإعراب:

«لسان»:

- (۱) مذكر - جمعه ألّسنن - مفرد - معرب / مع حرف ب: الجار و المجرور
- (۲) اسم - مفردة سن - مذكر - مبني / مع حرف ب: الجار و المجرور
- (۳) مفرد - مذكر - جمعه ألّسنّة - معرب / مجرور بحرف جر
- (۴) اسم - جمع - مبني - مذكر / مجرور بحرف جر

۹- «و هو الذي يقبل التوبة عن عباده و يعفو عن السيّئات!»: او کسی است که توبه ..... در می گذرد!

- (۱) را از بندگان می پذیرد و از بدی ها
- (۲) بندگان را قبول می کند و از بدی ها
- (۳) بندگان را قبول کرده و از بدی هایشان
- (۴) را از بندگان می پذیرد و از بدی آنها

۱۰- عین عبارة ما جاء فيها «نون الوقاية»:

- (۱) أحسنني إلى الناس تُحسنني!
- (۲) ملأت أمي فمي بالبسمات و أعانني في دروسي!
- (۳) يا إلهي! إحميني و احمِ بلادِي من شرور الحادثات!
- (۴) طلب المعلم من مهران أن يُساعدني في كتابة الإنشاء!





۱۱- عین الصّحیح فی الحوارات:

- (۱) مَنْ هو مسؤول التَّنظيف؟ لیست غرفتي و غرفة زملائي نظيفة!
- (۲) متى مواعد تناول الطَّعام؟ تختلف ساعاتهم حسب الغداء و العشاء!
- (۳) ما هي المشكلة يا حبيبي؟ نعتذر منكم، نُصلِّح كلَّ شيء بسرعة!
- (۴) ما هو طعام الفطور؟ رزّ مع مرق باذنجان!

۱۲- عین الصّحیح فی التحلیل الصرفي و الإعراب:

«يُفتح و يُغلق الأنبوب بحنفیات بعد أن يصعد النّفط منه»:

- (۱) الأنبوب: اسم - مفرد - مذکر - معرب / نايب فاعل
- (۲) حنفیات: جمع مؤنث - مفردة حنفيّ - معرب / الجار و المجرور
- (۳) يُفتح: فعل مضارع - مفرد مذکر - لازم - مجهول / الفعل و الجملة فعلية
- (۴) يصعد: مجرد ثلاثي - مفرد مذکر - مضارع - معلوم - مبني / الفعل و فاعله (النّفط)

۱۳- «نشرت إحدى الصّحف عنواناً عن رجل سحبه تيار الماء إلى الأعماق و تمّ إنقاذه بواسطة دلفين يقفز قربه!»:

- (۱) یکی از روزنامه‌ها تیتري در مورد مردی منتشر کرد که جریان آب او را به اعماق کشیده بود و به واسطه دلفینی که در نزدیکی او می‌پرید، نجات یافته بود!
- (۲) تیتري را یکی از روزنامه‌ها منتشر کرد درباره مردی که جریان آب‌ها او را به اعماق کشانده بود و به واسطه دلفینی که در نزدیکی او می‌پرید، نجات یافته بود!
- (۳) درباره مردی که جریان آب او را به اعماق کشیده و به واسطه دلفینی که در نزدیکی او می‌پرید، نجات پیدا کرده بود، یکی از روزنامه‌نگاران تیتري را منتشر کرد!
- (۴) یک روزنامه‌نگار تیتري را درباره مردی که جریان آب او را به اعماق کشانده بود و به واسطه دلفینی که در نزدیکی اش می‌پرید، نجات پیدا کرده بود، منتشر کرد!

۱۴- «اتّصل المُشرف بمهندس الصّيّانة و هو يُصلِّح مكيفاً لا يعمل!»: مدير داخلي با مهندس ..... ، عین الصّحیح:

- (۱) تعمیرات تماس می‌گیرد و او کولری که کار نمی‌کند را تعمیر می‌کند!
- (۲) نگهداری و تعمیرات تماس گرفت و او کولرهایی که کار نمی‌کرد را تعمیر کرد!
- (۳) تعمیر و نگهداری تماس گرفت در حالی که او کولری که کار نیفتاده بود را تعمیر می‌کرد!
- (۴) تعمیرات تماس گرفت در حالی که او کولری که کار نمی‌کرد را تعمیر می‌کرد!

«بانک سوال موسسه یاوران دانش»

۱۵- عین الخطأ فی توضیح الكلمات:

- (۱) الغداة: طعام يُأكل في الظّهر!
- (۲) المستنقع: مكان يجتمع فيها الماء زمناً طويلاً!
- (۳) الدُّنْب: معصية يجتنبها المؤمن لكسب رضا الله!
- (۴) الشاطئ: أطراف البحار أو الأنهار!





۱۶- «علیکم بمکارم الاخلاق فإنّ ربّي بعثني بها!» عین الصحيح للترجمة:

- (۱) به صفات برتر اخلاقی پایبند باشید زیرا پروردگارم مرا به خاطر آن فرستاده است!
- (۲) بر شما لازم است پایبندی به صفات اخلاقی زیرا من برای آن فرستاده شدم!
- (۳) باید که به صفات اخلاقی پایبند باشید قطعاً پروردگار مرا به خاطر آن فرستاده است!
- (۴) باید که به صفات اخلاقی پایبند باشیم پس قطعاً پروردگارم مرا به خاطر آن فرستاده است!

۱۷- عین الصحيح في المفردات:

- (۱) أخذنا النّوود لشراء الجوّال! «مضادّ أخذنا: أتينا»
- (۲) (سبحان الله أسرى بعبد له ليلاً!) «مفرد أسرى: أسير»
- (۳) أضاع الفرصة لتكميل دراسته! «مضادّ أضاع: وُجد»
- (۴) يحمي الرّجل أهله و عرضه! «جمع عرض: أعراض»

۱۸- «إذا وقع نظر الدّلافين على سمكة القرش تجمّعت حولها و ضربتها بأنوفها الحادّة!» عین الترجمة الصحيحة:

- (۱) اگر دلفین‌ها نگاهشان به کوسه‌ماهی بیفتد، دور او جمع می‌شوند و با بینی‌هایشان که تیز است او را می‌زنند!
- (۲) اگر نگاه دلفین‌ها به کوسه‌ماهی بیفتد، دورش جمع می‌شوند و با بینی‌های تیزشان به او ضربه می‌زنند!
- (۳) هنگامی که نگاه دلفین‌ها به کوسه‌ماهی افتاد، دورش جمع شدند و به شدت با بینی‌هایشان او را زدند!
- (۴) هرگاه دلفین‌ها به کوسه‌ماهی نگاه کنند، دور او جمع شده و با بینی تیزشان به او ضربه می‌زنند!

۱۹- «تتجمّع الدّلافين حولها بسرعة و هي ضاربة أسماك القرش بأنوفها الحادّة!» دلفین‌ها ..... ، عین الصحيح للترجمة:

- (۱) به سرعت اطراف او جمع می‌شوند در حالی که با بینی‌های تیز به کوسه‌ماهی ضربه می‌زنند!
- (۲) در حالی که با بینی تیزشان به کوسه‌ماهی ضربه می‌زنند، سریعاً اطراف آن جمع می‌شوند!
- (۳) سریعاً اطراف او جمع می‌شوند در حالی که با بینی‌های تیزشان به کوسه‌ماهی ضربه می‌زنند!
- (۴) در حالی که با بینی‌های تیزشان به کوسه‌ماهی‌ها ضربه می‌زنند، سریعاً اطراف آن‌ها جمع می‌شوند!

۲۰- عین الخطأ في التوضيحات:

- (۱) الموسوعة معجم كبير جداً يُجمع فيها قليل من العلوم! (۲) البئر حفرة عميقة يُستخرج منها الماء أو النّفط!
- (۳) الوقود مادّة كالبزين و النّفط و الغاز!
- (۴) الجُبنة غذاء معروف مصنوع من الحليب!

۲۱- «لتسهيل نقل النّفط تُستخدم آلات لتقليل الضّغط!» عین الصحيح للإعراب و التحليل الصرفي:

- (۱) آلات: اسم - جمع سالم - مؤنث - نكرة/ مرفوع و نائب فاعل
- (۲) الضّغط: اسم - مفرد - مذكر - مبني - معرف بآل/ مضاف إليه
- (۳) تُستخدم: فعل مضارع - مفرد مذكر مخاطب - مجهول - مزيد ثلاثي/ فعل و الجملة فعلية
- (۴) تسهيل: اسم مصدر من مزيد ثلاثي باب تفعيل - مذكر - معرب/ لتسهيل: خبر و هو الجار و المجرور





۲۲- عَيْنِ الصَّحِيحِ: «هر کس زبان تیزی داشته باشد نقش بسیار مهمی در ویرانگری اراده انسان دارد!»:

- (۱) مَنْ لَدِيهِ لِسَانٌ حَادٌّ فَلَهُ دَوْرٌ أَهْمٌ جَدًّا فِي تَخْرِيبِ إِرَادَةِ الْإِنْسَانِ!
- (۲) كُلُّ شَخْصٍ عِنْدَهُ فَمٌ حَادٌّ لَهُ دَوْرٌ مَهْمٌ جَدًّا فِي تَخْرِيبِ إِرَادَةِ الْإِنْسَانِ!
- (۳) كُلُّ مَنْ لَدِيهِ لِسَانٌ حَادٌّ لَهُ دَوْرٌ مَهْمٌ لِلْغَايَةِ فِي تَخْرِيبِ إِرَادَةِ الْإِنْسَانِ!
- (۴) مَنْ هُوَ عِنْدَهُ لِسَانٌ حَادٌّ فَلَهُ دَوْرٌ أَهْمٌ لِلْغَايَةِ فِي تَخْرِيبِ إِرَادَةِ الْإِنْسَانِ!

۲۳- «اتَّصَلَ السَّائِحُ بِالْمُشْرِفِ لِتَنْظِيفِ الْغُرْفِ وَ تَصْلِيحِ النَّوَاقِصِ الْآخَرَى!» عَيْنِ الصَّحِيحِ لِلتَّرْجُمَةِ:

- (۱) با مدیر داخلی تماس می گیرم تا اتاق ها و مشکلات دیگر را رفع کنند!
- (۲) تماس جهانگرد با مدیر داخلی برای نظافت اتاق منجر به رفع نواقص دیگری هم شد!
- (۳) گردشگر با مدیر داخلی به منظور نظافت اتاق ها و تعمیر مشکلات دیگر تماس گرفت!
- (۴) گردشگر با این که به نظافت اتاق اشراف داشت برای بررسی مشکلات احتمالی دیگر تماس گرفت!

۲۴- عَيْنِ الْخَطَأِ:

- (۱) «تَوَجَّدَ أَعْمَدَةُ اتِّصَالَاتٍ كَمَحَطَّاتٍ إِنْذَارٍ»: دکل های مخابراتی به عنوان ایستگاه های هشدار وجود دارند،
- (۲) «و عَلَيْهِ الْإِتِّصَالُ بِالشَّرَكَةِ عِنْدَ مَشَاهِدَةِ الْخَطَرِ»: و باید که هنگام مشاهده خطر، با شرکت تماس بگیریم!
- (۳) «فَيَجِبُ عَلَى كُلِّ مُوَاطِنٍ صِيَانَةَ هَذِهِ الْأَنْبِيَاءِ»: در نتیجه نگهداری این لوله ها بر هر شهروندی واجب است،
- (۴) «و لَوْحَاتٍ تَحْذِيرِيَّةٍ بِاللُّونِ الْأَصْفَرِ تُحَذِّرُ الْمَوَاطِنِينَ»: و تابلوهای هشدارآمیز به رنگ زرد، به هموطنان هشدار می دهد،

۲۵- «يَبْلُغُ وَزْنُ الدَّلْفَيْنِ ضِعْفَيَّ وَزْنِ الْإِنْسَانِ وَ يُغْنِي كَالطَّيُورِ وَ يَبْكِي كَالطُّفْلِ!» عَيْنِ التَّرْجُمَةِ الصَّحِيحَةِ:

- (۱) وزن دلفین ها چند برابر وزن انسان است. همچون پرنده آواز می خواند و مانند کودکی گریه می کند!
- (۲) وزن دلفین کمتر از وزن انسان است و مانند پرنده آواز می خواند و همچون کودکان گریه می کند!
- (۳) وزن دلفین دو برابر وزن انسان است و مانند پرندگان آواز می خواند و همچون کودک گریه می کند!
- (۴) وزن دلفین دو برابر وزن انسان است و همانند پرنده آواز می خواند و همچون کودک گریه می کند!

۲۶- عَيْنِ عِبَارَةٍ فِيهَا نَوْنُ الْوَقَايَةِ:

- (۱) (يَقُولُونَ بِالسَّيِّئَةِ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ)
- (۲) لِمَاذَا لَا تَحْضُنِينَهَا؟ لِأَنَّهَا بِنْتُ صَغِيرَةٍ!
- (۳) (و زَيْنًا السَّمَاءِ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحِ!)
- (۴) (يَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تَرَابًا)

۲۷- «قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتَ مِائَةَ عَامٍ فَانْظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَ شَرَابِكَ!»: عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- (۱) یا چند روز درنگ کرده ام گفت نه بلکه صد سال درنگ کردی به خوراکت و نوشیدنی ات نگاه کن!
- (۲) یا بخشی از یک روز درنگ کردم گفت نه بلکه صدها سال درنگ کردی به خوراکت و نوشیدنی ات بنگر!
- (۳) یا بخشی از یک روز درنگ کردم گفت نه بلکه صد سال درنگ کردی به خوراکی ها و نوشیدنی ات نگاه کن!
- (۴) یا بخشی از یک روز درنگ کردم گفت نه بلکه صد سال درنگ کردی به خوراکت و نوشیدنی ات بنگر!





۲۸- عَيْنَ الصَّحِيحِ: «كَلَاغٌ صَدَائِيٌّ دَارِدٌ كَهَ بِهٖ حَيَوَانَاتٌ هَشْدَارٌ مِي دَهْدُ تَا اَزْ خَطَرٌ دَوْرِي كُنُنْدُ!»

(۱) للغراب صوتٌ يُحذِّرُ الحيواناتَ حَتَّى تَتَبَعِدَ عَنِ الْخَطَرِ!

(۲) عِنْدَ الْغَرَابِ صَوْتُ حَذَرٍ الْحَيَوَانَاتِ لِتَتَبَعِدَ عَنِ الْخَطَرِ!

(۳) للغراب صوتٌ تَتَبِعُهُ بِهٖ الْحَيَوَانَاتُ كَي تُبْعَدَهُمْ مِنَ الْخَطَرِ!

(۴) كَانَ لِلْغَرَابِ أَصْوَاتٌ تُحَذِرُ بِهٖ الْحَيَوَانَاتَ حَتَّى تَتَبَعِدَ مِنَ الْخَطَرِ!

۲۹- عَيْنَ عِبَارَةٍ لَيْسَ فِيهَا نَوْنُ الْوَقَايَةِ:

(۱) لَا تَظَنِّي أَنَّ يَرْحَمَ اللَّهُ مَنْ لَا يَرْحَمُ النَّاسَ!

(۳) (وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تَرَابًا)

(۲) عَلَيْكُمْ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ فَإِنَّ رَبِّي بَعَثَنِي بِهَا!

(۴) (وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ)

۳۰- «وَهَنَ جِسْمُ رَجُلٍ سَحَبَهُ تَيَّارُ الْمَاءِ إِلَى أَعْمَاقِ الْبَحْرِ فَأَنْقَذَهُ دَلْفِينًا وَ أَوْصَلَهُ إِلَى الشَّاطِئِ!» عَيْنَ الصَّحِيحِ لِلتَّرْجُمَةِ:

(۱) بدن مردی که جریان آب او را به اعماق دریا کشانده بود سست شد پس دلفینی او را نجات داد و به ساحل رساندش!

(۲) بدن مردی که جریان آب به اعماق دریا کشانده بودش سست شد پس دلفینی او را نجات داد و به ساحل رساند!

(۳) سنگینی جسم مرد او را با جریان آب به اعماق دریا کشاند پس دلفینی او را نجات داد و به ساحل رساندش!

(۴) بدن مردی که با جریان آب به اعماق دریا کشانده شده بود سست گردید پس یک دلفین او را نجات داد و او را به ساحل رساند!